

کاپشن بهاره

هر چند بهار است ولی سوز می آید / سرمای چنین سخت در این فصل نشاید

آن هیزم تر آه دگر دود ندارد / آن کاپشن ساده دگر سود ندارد

وقتی شده پویشیده زمین از یخ واز برف / تاثیر ندارد دگر آن چانه پر حرف

هر چند بهار است ولی فصل بخاری است / این عاقبت و آخر آن فردیهاری است

شعر طنز

در همین حوالی

احمد محیط طباطبایی

برای آینده، گذشته را حفظ کن



معماری که ساختمانی را خلاف جهت باد ساخته یا برای خشت و پی یک پل از مصالح خاص استفاده کرده، هنرمندی که از آجر برای زیبایی نما و ساختمان استفاده کرده یا کاشی‌کاری و نقاشی‌های متفاوت را روی بنا کشیده... براساس آنچه طبیعت در اختیارش قرار داده و البته آنچه نیاز داشته، یک بنا را خلق کرده است. بنایی که از گذشته تا به امروز مانده و حالا ما به آن می‌گوییم: بنای تاریخی. میراث مادی و معنوی که از گذشته به ما رسیده و قرار است در آینده نیز برای نسل‌های بعدی بماند. این میراث ارزشمند، نمایش‌دهنده چگونگی زندگی انسان در دامن طبیعت در قرن‌های گذشته است. جغرافیای محیط و فرهنگ روزگار دور، در خشت به خشت این بناها خود را نشان می‌دهد و در پجه‌های برای شناخت بیشتر گذشتگان به روی ما باز می‌کند. همانطور که نگهداری از این آثار و مراقبت از آنها و همه آنچه از ما باقی می‌ماند، برای نسل آینده محلی برای شناسایی زندگی و روزگار ما است. بناهای تاریخی از این جهت بالارزش هستند و همین است که روز جهانی بناهای تاریخی توسط موسسه ایکوموس که سازمان جهانی حفاظت از بناهای به‌جا مانده است، تعریف شده تا ارزش این بناها یادآوری شود. این میراث همانند محیط‌زیست، آثار فرهنگی به‌جا مانده از گذشته و... یک میراث بزرگ است که زیربنا و زیرساخت آینده و برای آیندگان است. کسانی از این میراث بزرگ مراقبت می‌کنند که به آینده می‌اندیشند. انسانی که به آینده فکر می‌کند، گذشته‌اش را حفظ می‌کند. توسعه پایدار در سایه همین دریافت و توجه به میراث گذشتگان و انتقال آن به آیندگان است. این میراث شبیه سرمایه‌ای است که سودش به ما می‌رسد و هیچ انسان عاقلی سرمایه خود را نابود نمی‌کند. این روز یادآوری می‌کند نگهداری و حفاظت از این سرمایه‌های مادی و معنوی، مسیر توسعه را امن و سالم می‌کند و این زندگی و میراث فقط از آن ما نیست و باید میراثدار آیندگان باشیم.

میکروسکوپ خصوصی من

امیر پوریا

جشنواره جهانی از فردا



جشنواره جهانی فیلم فجر در سومین دوره مستقل خود، از فردا آغاز می‌شود. تا پیش از این هم‌زمان با جشنواره داخلی و در همان روزهای میانی بهمن ماه برپا می‌شد و بابت کنجکاو ی پیکران سینمای ایران نسبت به فیلم‌های تازه ایرانی، معمولاً بخش بین‌الملل آن به‌شدت بی‌رواق و کم مخاطب می‌ماند. تلاشی که در این دو سه سال برای پا گرفتن باشگاه جشنواره جهانی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و کاربردی و همچنین شکل دادن «فضا» ی گپ و گفت و تبدیل شدن به پاتوق علاقه‌مندان سینما صورت پذیرفته به روشنی نتیجه داده است. اما آنچه همچنان مهم‌تر بین‌میران عامل در جذب مخاطب جدی خواهد بود، سطح و تفاوت و تمایز فیلم‌های حاضر است. وقتی‌ا تعبیر «تنوع» به عنوان عامل لازمه هر مجموعه فیلم که در یک جشنواره به نمایش در می‌آید، می‌گوییم، خطری پیش‌رو است: اینکه تصور شود داریم از ضرورت تنوع بخش‌های جشنواره حرف می‌زنیم تا احیاناً برای خواست‌ها و سلیقه‌های مخاطبان مختلف هر گوشه‌ای چیزی برای عرضه باشد. در حالی که اتفاقاً تعدد عناوین بخش بین‌المللی جشنواره تا زمان برگزار شدن آن در کنار جشنواره ملی فجر از مشکلات اساسی و زمینه‌آشفتگی بود. بخش‌هایی که بسیاری اوقات حتی تعریف مشخصی برای آنها نمی‌شد یافت. در حالی که تنوع را در گونه‌ی گوئی آثار و به نمایش گذاشتن ساختارهای نوین و متمایز از هم، نیاز داریم. یکی از ناسازهای رایج برخی دوره‌های جشنواره کن این است که انتخاب‌کنندگان فیلم‌ها به آوانگار دیسم افراطی متهم می‌شوند و نبود چند فیلم روایتگر سراسر است در بخش اصلی، موضوع انتقادات گسترده می‌شود. در فهرست فیلم‌های بخش مسابقه اصلی نودیی از این تنوع ساختارها به گوش و چشم می‌رسد. باید دنبال کرد و دید این رعایت لزوم تنوع را در کلیت جشنواره، چگونه در نظر گرفته‌شده.

نخته سیاه

ما می توانیم تفاوت ایجاد کنیم

ماه گذشته کیم استنلی روبینسون، نویسنده مجموعه داستان‌های علمی- تخیلی مطلبی با این مضمون در گاردین نوشت: «تنها راه نجات این سیاره، خالی کردن نصف زمین از انسان‌هاست» موضوعی که استنلی مطرح کرد، با واکنش‌های زیادی روبرو شد و آلن میچم، فعال محیط‌زیست با اشاره به آن در بخش «نامه‌های هفتگی گاردین» توضیح داد: «من پیشنهاد استنلی را برای تخلیه نیمی از زمین از جمعیت انسانی خوانده‌ام و شاید این ایده از جهاتی منطقی به نظر برسد، اما به احتمال زیاد هیچگاه نمی‌تواند عملی شود. اگر چه من با رابینسون موافق هستم اما فکر می‌کنم شاید ایده کاربردی‌تر این باشد که هر کدام از ما ضمن حضور در این سیاره، خط‌مشی خود را تا حدی تغییر دهیم. این تغییر می‌تواند با اصلاح الگوی مصرف و رشد آغاز شود. بیایید اقدام جدی علیه مصرف‌گرایی کنیم و امیدوار باشیم این سیاره باقی بماند.»

تیتیر مصور | انسان، زمین، زباله و چند داستان دیگر

آنی درینی



تیتیر مصور | انسان، زمین، زباله و چند داستان دیگر

اعتقاد

info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir

آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** الیاس حضرتی
- جانشین مدیر مسوول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:** بهروز بهزادی
- سرمدیر:** سیدعلی میرفتاح
- معاون اجرایی:** حجت طهماسبی
- مشاور مدیر مسوول:** محمد حضرتی
- رئیس سازمان آگهی‌ها:** علی حضرتی
- نشانی:** خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو
- تلفن خانه:** ۶۶۱۲۴۰۲۵ – ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ **نمابر:** ۶۶۱۲۴۰۲۱
- توزیع:** نشر گستر امروز ■ **تلفن:** ۶۱۹۳۳۰۰۰
- چاپ:** نشر روز تاب ■ **تلفن:** ۴۴۵۴۵۰۷۶

■ **اذان ظهر:** ۱۲/۰۴ ■ **غروب آفتاب:** ۱۹/۰۴ ■ **اذان مغرب:** ۱۹/۵۹ ■ **اذان صبح فردا:** ۴/۵۸ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶/۲۷

مؤخرات فارسی

رضا شکراللهی

این در حالی است که!

نمی‌دانم لقلقه‌ی زبان شدن برخی کلمه‌ها و عبارت‌ها باعث تنبلی ذهنی اهل قلم، به‌خصوص روزنامه‌نگاران، می‌شود یا تنبلی ذهنی باعث لقلقه‌ی زبان شدن آن کلمه‌ها و عبارت‌ها. شاید باید این را هم بگذاریم کنار معمای هستی‌شناسانه‌ی مرغ و تخم‌مرغ. یکی از این لقلقه‌ها، که زیادی هم لق می‌زند، همین «این در حالی است که» و شکل‌های گوناگون آن است که اگر آن را از خبرنگار و روزنامه‌نگار جماعت بگیري، احتمالاً دچار اسپاسم انگشت وسط از نوع حاد می‌شود؛ بس که آن را به‌جا و بی‌جا می‌چنان توی متن، به استفاده از این عبارت برای بیان تضاد، با همه‌ی بدریختی و حلال‌نازدگی‌اش، شاید نتوان خرده‌ای گرفت، ولی امان از وقتی که این عبارت تبدیل می‌شود به آچار فرانسه‌ی نویسنده برای باز کردن تنبلا نه‌ی هر گونه پیچ و داد از وقتی که چنان لقلقه‌ی زبان می‌شود که دیگر دایمان می‌رود قرار بوده آن را برای بیان تضاد به کار ببریم نه به جای واو عطف و نقطه و انواع حرف ربط در جایی که هیچ تضادی در جمله‌های پس و پیش آن نیست. مثال تنسوری می‌خواهید؟ جایزه‌ی پولیتزر ۲۰۱۸ برندگانش را دیروز اعلام کرد. متن خبر در معتبرترین خبرگزاری مملکت را بخوانید: «برندگان نهایی جایزه‌ی پولیتزر در بخش‌های گوناگون در حالی اعلام شد که جایزه‌ی بخش ادبیات داستانی به رمان «کمتر» نوشته‌ی «اندرو شین گریر» رسید و... با این «در حالی اعلام شد که» که برتاب شده توی متن، من هم تأسف خودم را اعلام می‌کنم از این که این کتاب‌ها برنده شده‌اند! جز این اگر بود، می‌نوشت: «برندگان نهایی پولیتزر در بخش‌های گوناگون اعلام شد و جایزه‌ی بخش ادبیات داستانی به رمان «کمتر» رسید و... البته برخی دسته‌بهبیوردان در ممکن کردن ناممکنات نگارش فارسی چنان نیرومندند و خلاق که چاره‌ای ندارم جز این که از زبان مولانا بگویم شان: در آن حالی که حالم باز جویی محالی رامی‌شرمی توان کرد!

امسال هم مثل هر سال روزنامه‌ها می‌از فروردین تعطیل بودند و حتی بیشتر خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری هم در مسیر اطلاع‌رسانی کار جدی نمی‌کردند. چرایی این اتفاق را باید در اقتصاد

ضعیف رسانه که ناشی از تغییر عادت مردم است، جست‌وجو کرد چرا که اگر رسانه‌های کاغذی و اینترنتی با رونق مخاطب روبه‌رو بودند و به عنوان ابزار تبلیغات تجاری عمل می‌کردند، هیچ فرصتی را برای انتشار از دست نمی‌دادند. امیدوارم با گشایشی که در دولت روحانی در زمینه فشار بر مطبوعات و در کل رسانه‌ها آغاز شده است شاهد دوران بازگشت اعتماد مردم به آنها باشیم و بحران مخاطب که تبدیل به بحران فروش شده است، آهسته آهسته دست از سر مطبوعات کشور بردارد. من گرچه بخشی از کاهش فروش مطبوعات و حتی کتاب را اقتصادی می‌بینم و معتقدم به سبب تنگناهای درآمدی، مطبوعات از سبد خرید بسیاری از خانوارا خارج شده است ولی بخش بزرگ آن را ناشی از فشارهای شدید ممیزی طی سالیان گذشته می‌دانم، فشارهایی که باعث شد مطبوعات از وظایف ذاتی خود بسیار عدول کنند و برای گرفتار نشدن به مرگ زودرس از درون تهی شوند. کتاب هم چنین رویکردی را به دلیل وجود ممیزی از سر گذرانده است. اینک هر دو با این پدیده روبه‌رو شده‌اند که مردم اعتمادی به آنها ندارند.

تنها راه پرور شدن مطبوعات و کتاب ادامه همین روشی است که در دولت روحانی آغاز شده است. این روش باعث می‌شود که در مرحله اول نویسندگان از اتوسانسور دست بکشند. فضا آماده طرح مطالبات و خواسته‌های مردم شود و آنگاه دوباره اعتماد از دست رفته باز آید.

البته در این مرحله دولت باید سه کمک بیاید و با یک جراحی عمیق بند ناسف بسیاری از رسانه‌ها را که به سازمان‌ها و بنگاه‌های مختلف وابسته‌اند از نظر بودجه قطع کند تا دنیای رسانه پیشرفت خود را در نگاه مصرف‌کننده که همان مخاطب است ببیند. در چنین فضایی رقابت شکل خواهد گرفت و همین رقابت باعث خواهد شد که مطبوعات و در کل رسانه‌ها آیینه تمام‌نمای مردم شوند و تیراز و فروش آنها افزایش یابد و کسانی که در این رشته تخصصی ندارند و به ضرب و زور یارانه و بودجه‌های دولتی در فضای کنونی حضور دارند به جای دیگری نقل مکان کنند.

سامسونگ

SAMSUNG

تلویزیون QLED

نهایت رنگ، زیبایی زندگی



فقط با ضمانت **سام**
۸۲۵۵-۰۲۱ سرویس